

بیانیه تحلیلی پیرامون خطرات داخلی و خارجی

شماره: ۱۴۵۸

تاریخ:

حضرت علی (ع)

هموطنان عزیز

بار دیگر خطرات جدی داخلی و خارجی استقلال، تمامیت ارضی و ثبات سیاسی و اقتصادی کشورمان را آنچنان مورد تهدید قرار داده است که هیچ ایرانی آگاه و دلسوزی نمی‌تواند نسبت به آنها بی تفاوت بماند.

نهضت آزادی ایران با وجود فشارها و محدودیت‌هایی که هر نوع فعالیت سیاسی را بسیار دشوار ساخته است وظیفه خود دانست که اوضاع و شرایط نگران‌کننده کنونی را با ملت در میان گذارد و به دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان کشور هشدارهای لازم را بدهد.

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، نظم حاکم بر روابط بین‌المللی در ۸۰ سال گذشته از بین رفته است، بدون آنکه هنوز نظم نوینی در این روابط شکل گرفته باشد. در این دوره انتقالی، دولت آمریکا، به عنوان ابرقدرت باقیمانده از جنگ سرد و به اعتبار اینکه هنوز بزرگترین قدرت نظامی جهان محسوب می‌شود، تلاش دارد که هر چه بیشتر، مقررات آینده حاکم بر روابط بین‌المللی را در چهارچوب منافع استراتژیک خود، و از جمله در جهت تثبیت منافع دراز مدت خود

1- دردت از خود تو است ولی بصیرت نداری، درمانت در وجود خود تو است ولی آگاهی نداری

در خاورمیانه، شکل دهد. در این راستا، اولویتهای سیاست خارجی دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه بر پایه نفت و اسرائیل قرار دارد.

در مورد نفت خاورمیانه - که ارزانترین و سهل‌الوصول‌ترین منبع انرژی برای اروپای غربی و ژاپن (رقبای سرسخت آمریکا در آینده‌ای نه چندان دور) است - دولت آمریکا، خصوصاً بعد از جنگ خلیج فارس، کنترل فیزیکی تمام منابع نفتی این منطقه - به جز نفت ایران - را در دست گرفته است. تلاش برای توسعه و گسترش این سلطه فیزیکی بخش عمده‌ای از استراتژی دولت آمریکا را در خاورمیانه و در رابطه با ایران تشکیل می‌دهد. بهانه اصلی و اساسی این تلاش نیز مسئله سه جزیره ایرانی در خلیج فارس می‌باشد. در نوشتاری که در هفتم مهرماه سال قبل تحت عنوان «تبیین و تدبیر در مورد سه جزیره» به قلم آقای دکتر ابراهیم یزدی منتشر شد، اساس و مبانی این برنامه‌ها، خطراتی که تمامیت ارضی ما را تهدید می‌کند و بالاخره، راههای دیپلماتیک برای خروج از بن‌بست شرح داده شده بود. در نوشتار مذکور آمده بود که به دلیل نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، هرگونه اقدام جدی در این مورد از چند ماه پس از استقرار دولت جدید در واشنگتن آغاز خواهد شد. شواهد و علایمی که نیلماً به آنها اشاره می‌شود، حاکی از تدارک گسترده برای اجرای این برنامه‌ها می‌باشد:

۱- در ماههای اخیر، به ویژه پس از انتخاب رئیس جمهور جدید آمریکا، حملات مستقیم و صریح علیه جمهوری اسلامی ایران شدت یافته است. به دنبال سخنان تحریک آمیز و معنادار وزیران امور خارجه و دفاع آمریکا علیه ایران، رئیس جمهوری آمریکا نیز ضمن اعتراف به اهمیت ایران در ثبات منطقه خاورمیانه، دولت ایران را به سازماندهی عملیات تروریستی متهم کرد و تهدید نمود که اگر دولت ایران، تا دیر نشده است، به «خانواده ملل» باز نگردد، ملت و دولت ایران بهای سنگینی خواهند پرداخت. او همچنین با اعلام این مطلب که ایران مانع عمده بر سر راه مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل است با گستاخی کامل دولت ایران را از ارائه این خطمشی بر حذر داشته است. سایر مقامات و رسانه‌های جمعی آمریکا نیز موضعگیری‌های خصمانه علیه ایران داشته‌اند.

۲- همزمان با اعلام مواضع خصمانه و آشکار مقامات دولت آمریکا، شورای وزیران کشورهای ساحل جنوبی خلیج فارس بار دیگر، به اتفاق آراء ادعاهای واهی خود را در مورد سه جزیره ایران

(ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک) تجدید کرده، از ایران خواستند که - به اصطلاح آنها - به «اشغال» این جزایر پایان دهد. مقامات امارات متحده عربی نیز تحت فشار آمریکا و حامیان آن در منطقه، از مذاکره مستقیم با ایران برای حل اختلافات خودداری می‌کنند.

۳- اتحادیه عرب نیز در نشست اخیر خود در مورد سه جزیره مورد بحث، به اتفاق آراء علیه ایران موضع گرفت.

۴- به موازات جریانات فوق، فعالیت‌های دیپلماتیک و تبلیغاتی علیه ایران در میان اعراب بالا گرفت و دولت ایران به تحریک و تجهیز نیروهای اسلامی مبارزه جو متهم شده است. دولتهای مصر و الجزایر، ضمن ربط دادن شورشهای داخلی خود به جمهوری اسلامی ایران، می‌کوشند که دولتهای عربی را علیه ایران متحد و همسو سازند. در شرایطی که دولت مصر از نخست‌وزیر اسرائیل پذیرائی می‌کرد، رئیس جمهوری مصر، دولتهای عربی - از جمله سوریه - را به اتخاذ موضع علیه ایران تحریک و ترغیب می‌کرد. وی با متهم کردن ایران به تاسیس پایگاههای آموزش تروریسم در سودان اعلام کرد که در صورت مناسب بودن شرایط خارجی، کانال سوئز را بر روی کشتیهای عازم ایران خواهد بست. رئیس کشور لیبی نیز صریحاً به اصول گرایان مسلمانی که از ایران دستور می‌گیرند حمله کرد.

۵- مقامات آمریکائی اعلام کرده‌اند که از تقلیل یا لغو تحریمهای وضع شده توسط شورای امنیت علیه عراق پشتیبانی می‌کنند و این گونه تساهلها را دیگر مشروط به سقوط صدام حسین نمی‌نمایند.

۶- بنا بر گزارشهای رسمی و غیررسمی، در سه ماه آخر سال ۷۱ تجاوزات مسلحانه نیروهای ضد انقلاب - که توسط دولت عراق مجهز و از سوی آمریکا حمایت می‌شوند - به مرزهای غربی کشورمان افزایش بی‌سابقه‌ای یافت و خرابکاریهای تاسف انگیزی صورت گرفت.

۷- دولتهای اروپای غربی، روسیه، ژاپن و تا حدودی هند نیز مواضع هماهنگی علیه ایران اتخاذ کرده‌اند.

نهضت آزادی ایران با صراحت و قاطعیت این توطئه‌ها را علیه استقلال و تمامیت ارضی کشور محکوم و اعلام می‌کند که ملت ایران به هیچ وجه دخالت دولت آمریکا و یا هر دولت خارجی دیگر را در امور داخلی ایران و تعیین تکلیف برای کشورمان را تحمل نمی‌کند. دنیا باید بداند که هرگاه تمامیت ارضی

میهن ما مورد تهدید و تجاوز خارجی قرار گیرد، همه اقشار ملت، با صرف نظر از گرایشها و اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک، یکپارچه در برابر آن خواهند ایستاد.

دولت آمریکا جمهوری اسلامی ایران را به مشارکت در تروریسم یا حمایت از آن و نقض قوانین و معاهدات بین‌المللی متهم کرده و دلائل آن را عدم لغو حکم اعدام سلمان رشدی و مخالفت با مذاکرات صلح خاور میانه اعلام نموده است. ولی وارد کردن این اتهامات، در واقع بهانه‌جویی و مقدمه‌چینی برای زورگویی و باج خواهی آمریکا است. اتهامات مذکور علیه ایران در شرایطی عنوان می‌شود که جنایتکاران صرب یعنی همان باندهای کمونیستی که سالها بر یوگسلاوی سابق تسلط داشتند، در برابر چشمان متحیر و مبهوت مردم جهان، به ویژه در اروپا، هزاران زن و کودک و پیر و جوان بوسنیایی را به دلائل قومی و فرهنگی و دینی از موضع نژاد پرستانه، در مرکز اروپای مدعی تمدن قتل عام می‌کنند و تاکنون از هیچ جنایتی فروگذاری نکرده‌اند. آنها کمترین توجهی به مصوبات شورای امنیت و حضور نیروهای حافظ صلح سازمان ملل نداشته و ندارند ولی دولت آمریکا همچنان با این جنایت پیشگان مماشات می‌کند. و اما در خاورمیانه، دولت غاصب اسرائیل با زیر پا گذاشتن تقریباً تمام قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و معاهدات بین‌الملل، بیش از ۴۰۰ نفر از فلسطینیان را از خانه و خانواده خود جدا کرده و در حاشیه مرزی جنوب لبنان در شرایط نامطلوب و طاقت‌فرسا رها ساخته است، در حالی که برخلاف معاهدات بین‌المللی ناظر بر رفتار نیروهای اشغالگر در سرزمینهای اشغالی، اتهامات علیه این فلسطینیان در هیچ دادگاهی - حتی در خود اسرائیل - بررسی و احراز نگردیده است. معذک، دولت آمریکا از تخلفات و تجاوزات اسرائیل مصرانه و بی‌شرمانه حمایت می‌کند.

بنا بر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که مسئله اصلی مبارزه با تروریسم، خطر گسترش سلاحهای هسته‌ای و یا توسعه جنبشهای اسلامی مبارز - به قول آنان، «اصولگرایان مسلمان» - نیست و هدف باید چیز دیگری باشد. غرض واقعی مقامات آمریکایی از ایراد این اتهامات علیه ایران، ظاهراً آماده سازی افکار عمومی مردم آمریکا برای پذیرفتن درگیری و دخالت آمریکا در حوادث آتی خلیج فارس - در صورت اجرای طرح خلع حاکمیت ایران از سه جزیره یاد شده - و پیامدهای احتمالی آن - که هم اکنون

برخی از آنها مانند اعمال تحریمهای مختلف علیه ایران و اشغال احتمالی پایانه نفتی خارک، قابل پیش‌بینی است - می‌باشد.

نهضت آزادی ایران معتقد است که دولت ایران نباید در برابر این تهدیدها بی‌تفاوت بوده و برای خنثی کردن آنها اقدام جدی نکند. برنامه‌ها، کیدها و مکرهای بیگانگان امور محتوم و غیرقابل مقابله‌ای است.

در مرحله اول و قبل از هر چیز، مقابله موثر با این تهدیدات خارجی نیازمند بازگشت واقعی دولت به ملت و قانون و ایجاد وحدت و یکپارچگی در داخل کشور و حاکمیت ملی است. میزان مقاومت همگانی در برابر تهدیدات، به میزان همبستگی ملی و درجه اعتماد و اعتقاد مردم به حاکمیت بستگی دارد. تحقق وحدت و یکپارچگی ملی و انعکاس آن در خارج از عوامل موثر در بر هم ریختن نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان ایران می‌باشد.

بر این اساس و در شرایط حساس و پرمخاطره کنونی، جا دارد که مقامات تصمیم‌گیرنده حاکمیت در برخورد با گروههای سیاسی - فکری دگر اندیش تغییر فکر و روش داده، یک برنامه همبستگی ملی مبتنی بر آرمانهای انقلاب و اصول قانون اساسی را اعلام و اجرا کنند. ادامه وضعیت بسته سیاسی در داخل، فقدان حقوق و آزادیهای مصرح در قانون اساسی و اصرار حاکمیت بر جلوگیری از فعالیت آزاد و قانونی گروهها و احزاب سیاسی غیروابسته به حاکمیت یا مخالف، همراه با بحرانهای ریشه‌دار اقتصادی تنها به نفع تحقق برنامه‌ها و توطئه‌های بیگانگان تمام خواهد شد.

در شرایطی که گروهها و احزاب سیاسی غیردولتی اجازه فعالیت ندارند و یا فعالیت آنان به شدت محدود و تحت کنترل است و اظهارنظرهای پراکنده سیاسی خیرخواهانه - حتی از سوی شخصیت‌های برجسته حوزه‌های علمیه، نظیر سخنان آیت‌الله منتظری در کلاس درس - با واکنشهای ناشایسته و نامتناسبی روبرو شده و انعکاس جهانی منفی پیدا می‌کند و نیز در حالی که شمول فشارهای سیاسی و امنیتی و بازداشتها از محدوده نیروهای سیاسی خارج از حاکمیت فراتر رفته و به نیروهای وفادار درون حاکمیت - حتی آنان که در طول جنگ تحمیلی، فداکاریهای برجسته و چشمگیری در دفاع از میهن اسلامی و مقابله با ارتش متجاوز داشته و حماسه آفرینی‌های تحسین برانگیز کرده‌اند - تسری یافته است. چگونه

می‌توان از وحدت و یکپارچگی در برابر خطرات تهدیدکننده سخن به میان آورد، آنهم در شرایطی که فشارهای اقتصادی و تنگی معیشت اکثریت بزرگی از مردم میهن ما را از پای درآورده و فساد مالی، سوء استفاده‌های گسترده و سوء مدیریت‌های آشکار و چشمگیر، بیش از هر زمان مردم را نسبت به دستگاه حکومتی بدبین و بیگانه ساخته است؟ از سوی دیگر، فقدان یک سیاست خارجی متین و منسجم و تحریک مداوم دولتهای خارجی دور و نزدیک به بهانه‌های واقعی یا واهی، تبلیغ مستمر مواضع ناسخ و منسوخ در رابطه با کشورهای دیگر - که در عرف روابط بین‌المللی، دخالت در امور داخلی کشورها تلقی می‌شود، ارائه چهره‌ای خشن و جنگ طلب از اسلام، دینی که پیامش صلح و برادری و پیامبرش «رحمه للعالمین» است، منجر به تشکیل جبهه واحدی علیه ایران و مسلمانان و بدنام ساختن اسلام شده است. وجود چنین مجموعه شرایط داخلی و خارجی، دشمنان ریز و درشت کشورمان را به طمع انداخته و آنان را به کسب پیروزی در توطئه‌هایشان امیدوار ساخته است. اگر زمینه‌های داخلی وجود نمی‌داشت و یا چنین زمینه‌هایی با اجرای اقدامات اساسی تخفیف یافته یا از بین برود، توطئه‌های خارجی به ثمر نخواهد رسید.

نهضت آزادی ایران با آگاهی و اطمینان بر این که در طول تاریخ این سرزمین، تحمیل نظرات و توطئه‌های خارجی در شرایطی به موفقیت رسیده است که دولتهای ایران محروم از حمایت و وحدت مردم بوده‌اند و نارضایتی‌های شدید داخلی و خارجی وجود داشته است، اعتقاد دارد که شواهد و قراین موجود حاکی از وجود خطرات جدی - اگر چه با ضریب احتمال محدود - می‌باشد. دولت آمریکا مصمم به حادثه آفرینی علیه ایران در خلیج فارس است و توافق و حمایت صریح کشورهای صنعتی نیم‌کره شمالی و تقریباً همه کشورهای عربی و اسلامی، به استثنای سودان، را نیز جلب کرده است. اما حرکت دولت ایران و اعلام و اجرای یک برنامه همبستگی ملی، همراه با آزادی فعالیت احزاب و گروههای سیاسی و ایدئولوژیک دگر اندیش و معتقد به آرمانهای انقلاب و تمامیت ارضی کشور، بر طبق قانون اساسی، راه را برای حضور فعالانه همه نیروها در صحنه باز خواهد کرد و این حرکت و تحول، بلافاصله در جبهه واحد جهانی علیه ایران شکاف ایجاد خواهد نمود. چنین اقدامی، علاوه بر آنکه به حق می‌باشد، راه را برای حل بحرانهای سیاسی و اقتصادی داخلی هموار خواهد ساخت. اولین و فوری‌ترین

اثر چنین حرکتی در خنثی‌سازی توطئه‌های خارجی این است که بسیاری از کشورهای غربی و عربی و اسلامی از جبهه واحد علیه ایران جدا خواهند شد. شکاف در این جبهه، راه را برای اتخاذ مواضع مثبت به نفع ایران در شورای امنیت و نیز برای مذاکرات مستقیم و مفید میان ایران و امارات متحده عربی خواهد گشود. در چنان شرایطی، بدون شک، اگر توطئه‌گران نا امید نشده و دست از شیطنت بر ندارند، لااقل اجرای توطئه آنها برای مدت نامعلومی به تعویق خواهد افتاد.

نهضت آزادی ایران، با احساس وظیفه و تکلیف ملی و اسلامی و علی‌رغم مخاطرات، محدودیتها و فشارهای موجود، آنچه را که در خیر و صلاح ملت و مملکت می‌دانست بدین وسیله اعلام و اظهار نمود و در پایان از خداوند رحمان برای مقابله با توطئه‌ها طلب پایداری می‌نماید.

()

نهضت آزادی ایران

اردیبهشت ۱۳۷۲

1- پروردگارا، به ما صبر عطا فرما، گامهای ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز گردان.